

شرکت سهامی و شعار وزارت !



پیوسته به گذشته بخش نود ونهم:

میگویند شخصی که در یک مهمانی از دوران طفولیت اش سخن میگفت : درجائی یاد آوری کرد و گفت که وقتی بچه بودم همه فامیل می گفتند «تو، به ما رفتی» ولی حالا هیچ یکی از اعضای خانواده حاضر نیستند مسئولیت حرفی را که زده بودند به عهده بگیرند!

رفتار خشونت بار و مزورانه پاکستان این دیوانه ء زنجیری قرن حاضر با زمامداران مافیائی افغان تأیید عظیم بر این حقیقت است که نقشه راهی که برای تجزیه هند کبیر برای تأسیس کشوری بنام پاکستان طرح ریزی شده بود از بیش هر روز دیگر تنها در قلمرو جغرافیای مظلوم افغانستان به از مائیش گرفته می شود . زیرا کاملاً بی معنی است که عده ای بنام صلح می نشینند و محفل برپامیکنند و برای صلح تعویذ مینویسند ، قبل از اینکه سرشت و هویت صلح حقیقی را بدانند و چهار چوبهای آن را در فرآیند مشروعیت تحلیل و معین سازند محفل و مجلس و کنفرانسی برای آن برپامیدارند . تصویر وجودی صلح ، تعریف فلسفی و همچنین عینیت وی در تاریخ و جامعه همه مسائلی اند که قبل از رسیدن به آن باید به وجدان عمومی در جوامع جنگزده و تشنه ء صلح مبدل شده باشد . اما قبل از این که در این قلمرو بیشتر سخن بگوئیم بهتر است که عناوین و سرفصل های این بازی را بصورت فشرده مورد بحث قرار دهیم .

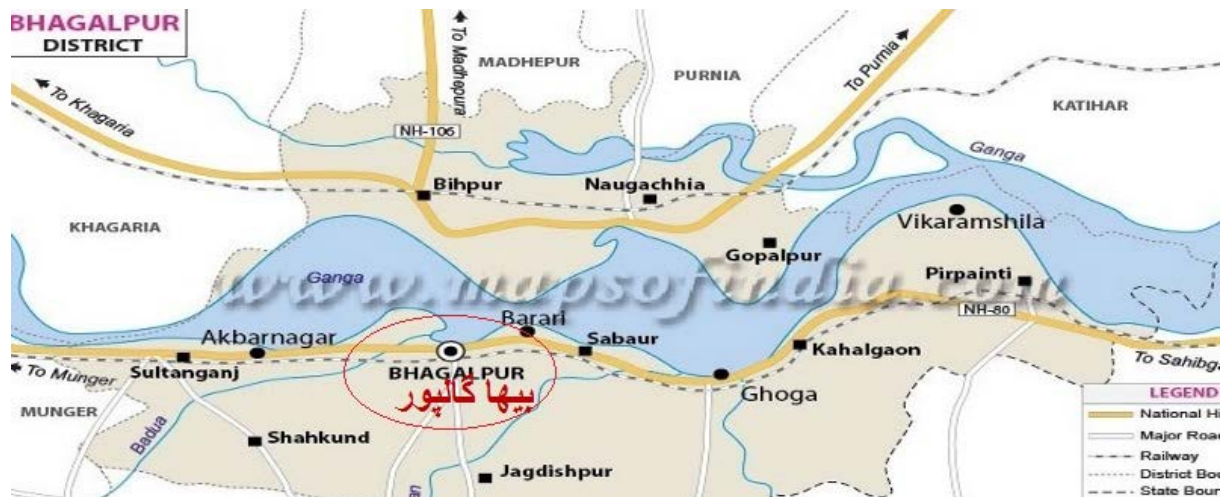
مدارک و مستندات فرآیند صلح مسلحانه کدام اند ؟

سخنان شفاف وبدون تعارفِ محمد صدیق پتمن سابق معین وزارت معارف افغانستان و یکی از نامدارترین حامیان کمپاین انتخاباتی محمد اشرف خان غنی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان که در یک میز گرد تلویزیونی اشتراک نموده بود مدارک و مستندات ائتلاف با سردار محمد اشرف خان غنی احمدزی و در مجموع بحیث یک قانونمندی عام " سیا " سی را اینگونه طرح ریزی کرد .

<https://www.youtube.com/watch?v=gxfb5mp8UkU>

عزیزان ! این آغا صدیق خان پتمن مسأله ترمنولوژیک سیاست در جامعه ما و جهان مترقی دیگر را به " **زعم خویش!!!** " از بیخ و بن حل و فصل میفرمائند ؛ زیرا وقتی از زبان مبارک اش سیاست را یک معامله میخواند و این معامله را نیز یک امر پذیرفته شده در جهان معاصر می پندارد نه تنها تکلیف خود را با معادله سیاست در حوزه قدرت تعیین میکند بلکه برای رهنمائی معنوی جوامع بشری بالاخص مردم فقیر و بینوای افغانستان نیز نقشه راه را ترسیم میفرمائند . چنانچه این نوع نوابغ تاریخ بشری را جواهر لعل نهرو یکی از ناموران بزرگ تاریخ نیم قاره هند در اثر معروف اش « نگاهی به

تاریخ جهان» در یکی از نامه های که برای دختر اش اندراگاندهی راجع به داستان زندگی هیوئن تسانگ که از بزرگترین رجال تاریخی حوزه حقوق هند بشمار می آمد و از مسافرتها به سرتاسر هند سفر نامه ای نوشت و در آن حکایت مرد مغروری را چنین به تصویر کشیده است : این حکایت در باره مردی است که از جنوب هند به « گرنا سوارنا » آمده بود آن شهر در حدود شهر جدید « بهاگالپور » در ولایت « بیهار » قرار داشت



...این مرد اطراف کمرش را با صفحات مسین می بست و یک مشعل فروزان هم روی سرش حمل میکرد و یک چوب دستی بلند در دست میگرفت با حالت غرور آمیز و قدمهای سنگین راه می رفت و با این لباس شگفت انگیز در همه جا می گشت ، هرگاه دلیل این رفتار غریب و عجیبی از وی می پرسید ، می گفت دانش و علم او به اندازه های هست که اگر دور بدنش را به سیم های آهنین نه بندد ممکن است شکمش بترکد ، و چون دائماً دلش به حال مردم جاهلی که در اطراف او در تیره گی و جهل و نادانی به سرمیبرد می سوزد همیشه یک مشعل فروزان روی سر خود حمل میکند . (۲)

حکایت آن مرد مغروری که حکایت آنرا مطالعه فرمودید درست با اظهارات حضرت "مَد" صدیق خان پتمن که از رفقای نیمه راه و فریبکار "سیا" سی گلابه و شکوه می کند مطابقت دارد ما و شاید هم دیگر روشنفکران نه به دلیل اینکه چرا از رفیق نیمه راه اش که در پروژه استخباراتی به عنوان یک مهره مطلوب برای برخی از سازمان های جاسوسی مَغْرَض دهن به شکایت و شکوه گشوده است ، نه هر گز نه ! بلکه به دودلیل مهم و عمده دیگری وی را باید متهم ساخت . نخست وی خود را متعلق به نسلی از روشنفکری میداند که در متون جاویدان مذهبی وارثان انبیاء خوانده شده و وی نتوانسته توده های عظیمی از مردم ستمدیده را در دشوار ترین و در عین حال خونین ترین لحظاتی از تاریخ و تعیین سرنوشت شان یاری رساند . با دریغ و تأسف نه تنها این جماعتی که برمسند روشنفکری در تاریخ جوامع جنگ زده و استبداد نشسته اند رسالت اصلی این کتله شکوه مند تاریخ که نجات انسان درد دیده در تاریخ است به انجام نرسانند بلکه در میدان وسیعی از مبارزه ملت ها در برابر استعمار و استبداد به درجه داران و سربازان مافیای تبدیل گشتند و جای پرشش و نهایت تعجب آنجاست که امروز آنها را فریبکار ، دروغگو و می خوانند ، و فراموش کرده اند که دیروز و در مرحله ای از تاریخ کشور ما حاکمان امروزی جامعه را فرشته های نجات می خواندند .

<https://www.youtube.com/watch?v=DPkJb7x7vy8>

شاید چنین روشنفکران و آذنا ب شان که به نرخ روز نان می خورند نه میدانند وقتی مردم وتوده های عظیمی از جامعه را نه در گذشته دور که شاید ملتها به هر دلیلی فراموش کرده باشند که در راه نجات از ظلم چه نسخه های می پیچانند و چگونه در چشم مردم بینوای افغانستان خاک می پاشیدند و تعویذ می نوشتند؟! در صداقت سخنان و تحلیل های کنونی شان که بیشتر آنها بر بیان شیوه مسخ حقیقتی می چرخد و حتی توده های "عوام کالانعام" از بسیاری حقائق پشت صحنه آگاهی دارند شک می کنند .

اما با کمال ادب باید اعتراف کرد که برآستی هم نخستین بار در تاریخ معاصر مد صدیق خان پتمن ترمنولوژیی عهد قدیم بویژه در حوزه سیاست را بدون هرگونه تعارف و ابهام تغییر داد و آنرا " سیأ " ست نامید یعنی یک معامله صاف و پاک بر قاعده معروف " **نصف لی و نصف لک** " دلیل دیگری که مشروعیت اظهارات اخیر مد صدیق خان پتمن و سردارانورالحق خان احدی و دیگر شرکای ستاد انتخاباتی شرکت سهامی " **غنی گروپ** " راز پرسوال می برند این است که با تأسف فروان "شرکت سهامی غنی ایند سنز" اموال و امتعه ای را که محصول فرهنگ و تمدن تاریخی در امر دولت سازی میراث فرد فردی از شهروندان این کشور اعم از پشتون ، تاجیک ، هزاره ، هندو ، شیعه ، سنی ، این کشور محسوب میشوند میان خود **ترک**ه و تقسیم کرده اند ، که این نوع معامله ننگین را که در ترمنولوژیی عهد قدیم " **خیانت ملی** " می نامیدند و حق این بود که شرکای " شرکت سهامی غنی ایند سنز " به شمول سران شرکت موسوم به " دولت وحدت ملی افغانستان " هر یک اشرف خان غنی و شهزاده عبدالله به انجام اینگونه معامله گری ها و باساس اظهارات و گواهی نه شخصیت های معمولی و از سر بازار جامعه ما بلکه به شهادت و اعترافات بلند رتبه ترین و عمود اصلی این شرکت در یک محکمه عادلانه باید مورد پرسش قرار می گرفتند . طبیعی است که هویت این گونه معامله با بسیاری از معادلات مروج دالری در بازار انطباق کامل دارند ، به هر حال هر چه باشد پیداست که در اینجا و در دنیای معاصر انگیزه و عامل اکثر فعل و انفعالات **زر** و **زور** اند که بحیث فاکتور اصلی در بازار مکاره "سیأ" سی مورد تبادل قرار میگیرد . . و انگهی از گفتار و قرائن چنین بر می آید که در کشوری بنام افغانستان مؤلفه های موسوم به صداقت ، وطن دوستی ، معنویت و حرمت به انسان از دیر بدینسو به حیث مکروب های کُشنده و ویروس های ویرانگری شناخته شده اند که فقط میتوان در لابلای کتب قدیم آنرا دریافت .



۲ : کتاب نگاهی به تاریخ جهان اثری از جواهر لعل نهرو ترجمه محمود تفضلی